



پنج شنبه 2 شهریور 1391 - 5 شوال 1433 - 23 اگوست 2012

1932 سال پیش در روز 24 اوت سال 79 میلادی شهر ثروتمند پمپئی که در پای کوه آتشفشان وزوو در رم باستان احداث شده بود بر اثر فوران آتشفشان وزوو زیر میلیون ها تن خاکستر داغ آتشفشانی مدفون و ناپدید شد و کلیه ساکنان آن کشته شدند.

1932 سال پیش در روز 24 اوت سال 79 میلادی شهر ثروتمند پمپئی که در پای کوه آتشفشان وزوو در رم باستان احداث شده بود بر اثر فوران آتشفشان وزوو زیر میلیون ها تن خاکستر داغ آتشفشانی مدفون و ناپدید شد و کلیه ساکنان آن کشته شدند.

در همان روز بندر هرکولانوم که در نزدیکی پمپئی بود به نوبه خود زیر مواد مذاب آتشفشانی و رسوبات از دیده ها پنهان گردید.

در کمتر از چند ساعت شهر پمپئی زیر 6 متر خاکستر داغ و هرکولانوم زیر 16 متر مواد مذاب و رسوبات مدفون شدند.

فوران آتشفشان وزوو يك فاجعه محسوب مي شد زیرا آخرین فوران این آتشفشان به 3500 سال قبل از میلاد بازمی گشت و بنابراین هیچکس خاطره ای از آن نداشت.

علاوه بر این ، رمی ها نمی دانستند که این کوه حاصلخیز مشرف بر خلیج ناپل در واقع يك کوه آتش فشان است.

در سال 62 میلادی در زمان سلطنت نرون زمین لرزه مهیبي در این منطقه رخ داد و شهر پمپئی برای نخستین بار ویران گردید اما با توجه به دانش آن دوره کسی تصور نمی کرد این يك هشدار اولیه باشد.

ثروتمندان پمپئی به سرعت ویلاهای باشکوه خود را دوباره احداث کردند.

هنوز به زحمت احداث دوباره شهر پمپئی خاتمه یافته بود که این بار کوه آتش فشان وزوو واقعا از خواب چند هزار ساله بیدار شد.

فقط در يك ساعت وزوو آسمان را به ارتفاع چند کیلومتر از خاکسترهای داغ آتش فشانی پوشاند و میلیون ها تن خاکستر آتشفشانی بر شهر پمپئی فرو ریختند.

چند ساعت بعد ، يك سیل عظیم از مواد مذاب و خاکسترهای آتشفشانی دامنه وزوو را در نوردید و بندر هرکولانوم و ساکنان آن را در يك لحظه به خاکستر تبدیل کرد.

مردم شهر پمپئی حتی فرصت فرار پیدا نکردند و تمام افرادی که در شهر حضور داشتند و هر يك به کاری مشغول بودند در همان حال جان سپردند.

اکنون که بخش عمده شهر پمپئی در کاوش های باستان شناسی از زیر میلیون ها تن خاکستر بیرون آورده شده، علاوه بر آثار باشکوه این شهر باستانی اجساد 2000 نفر از اهالی نیز کشف شده اند که هر يك در حالی که در زیر خاکسترهای آتش فشان وزوو جان سپرده اند.

به این ترتیب ، در روز 24 اوت سال 79 میلادی شهر ثروتمند پمپئی در دامنه آتشفشان وزوو در ناحیه کامپانیا با يك فاجعه روبرو شد و با فوران آتش فشان وزوو زیر میلیون ها تن خاکستر داغ آتش فشانی مدفون و ناپدید شد و کلیه ساکنان آن که حدود 15 هزار نفر تخمین زده شده اند ، کشته شدند.

از لحاظ بشری این يك فاجعه بزرگ محسوب مي شود اما با گذشت نزدیک به 2000 سال از آن زمان و با کاوش های باستان شناسی بخش اعظم این شهر از زیر میلیون ها تن خاکستر بیرون آورده شد. اما دیگر شهر پمپئی حیاتش را باز نیافت.

اکنون می توان شاهد جلال و شکوه این شهر باستانی بود که به دلیل مدفون شدن در زیر خاکسترها از گزند روزگار محفوظ مانده است.

به بهانه‌ی پنجم شوال، سالروز شهادت سید جمال الدین اسد آبادی

گردآوری و تنظیم: رضا صابری خورزوقی

بنابر آنچه سید هادی خسروشاهی، در دو سند تاریخی، در مجله اطلاعات - حکمت، ویژه‌نامه سید جمال الدین اسدآبادی که در سال 1387 منتشر شده آورده است؛ سید جمال درباره چگونگی مفهوم اصلاحات از نظر اسلام و طرح سید در این رابطه، در مصاحبه‌ی آرتور آرنولد Arthar Arnald مدیر روزنامه پال مال گازه: Pall Mall Gazett که در تاریخ 19 دسامبر 1891 م منتشر شده است؛ در پاسخ این پرسش که «#171: آیا اصلاحات در بین شیعه‌ها مشکل‌تر از اصلاحات در میان سنی‌ها نیست؟» در بیان تفاوت میان مذهب تشیع و تسنن می‌گوید:

#171: چون اصلاحاتی که من می‌خواهم، باید طبق تعلیمات قرآن باشد، وضع هر دو فرقه اسلامی تقریباً یکسان است. ولی چون مانع بزرگ پیشرفت، استبداد بوده و این نوع حکومت متأسفانه، تقریباً جزء مذهب سنی شده است در صورتی که در مذهب شیعه چنین نیست. یکی از اصول اساسی شیعه این است که هر نوع حکومتی، غیرقانونی و هر سلطان و حکمرانی، غاصب است و روی همین اصل، اصلاحات و از بین بردن استبداد در میان شیعه آسان‌تر است.»

سیدجمال از نگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در مورد سیدجمال و سرّ عدم موفقیت او چنین فرموده است: «#171: جمال الدین، مرد لایقی بوده است، لکن نقاط ضعفی هم داشته است، و چون پایگاه ملی و مذهبی در بین مردم نداشته، از آن جهت زحمات او با همه کوشش‌ها، به نتیجه نرسید، و دلیل بر این که پایگاه مذهبی نداشته است، این که چون شاه وقت (ناصرالدین شاه) او را گرفت و با وضع فجیع، تبعید کرد، عکس‌العملی (از سوی مردم) نشان داده نشد، و زحمات او، چون این پایگاه را فاقد بود، به نتیجه نرسید» (صحیفه امام، جلد 5، ص 290)

نگارنده: البته گمان نرود منظور امام خمینی (ره) این است که سیدجمال الدین اسدآبادی، غرب زده بوده یا مذهبی نبوده و به جناح دینداران تعلق نداشته است، بلکه منظور این است که سید جمال الدین اسدآبادی در میان جوامع اسلامی نفوذ عام و گسترده‌ای نداشته که بتواند توده مردم را به حرکت درآورد.

مذهبی بودن با پایگاه مذهبی در میان مردم داشتن، فرق دارد. سید جمال الدین اسدآبادی فردی شدیداً مذهبی و عالم دینی بود و به شدت نیز در راه اهداف اسلامی تلاش می‌کرد، ولی نفوذ کلام او مثل میرزای شیرازی نبود که بتواند با یک فتوای چند کلمه‌ای، انقلاب بزرگی به پا کند و استبداد داخلی و استعمار خارجی را شکست بدهد.

سید جمال الدین اسدآبادی از نگاه امام خامنه‌ای
حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، در بخشی از مصاحبه خود با روزنامه جمهوری اسلامی که در تاریخ 30 خرداد 1360 منتشر شده است فرموده‌اند:

#171: سیدجمال کسی بود که برای اولین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد کسی بود که مساله حاکمیت را و خیزش و بعثت جدید اسلام را اولین بار در فضای عالم بوجود آورد.... او مطرح کننده، به وجود آورنده و آغازگر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است. این را نمی‌شود دست کم گرفت و سیدجمال را نمی‌شود با کس دیگری مقایسه کرد. در عالم مبارزات سیاسی، او اولین کسی است که سلطه استعماری را برای مردم مسلمان آن زمان معنا کرد قبل از سیدجمال چیزی به نام سلطه استعماری برای مردم مسلمان حتی شناخته شده نبود. او کسی بود که در ایران، در مصر، در ترکیه، در هند، در اروپا کلا در خاورمیانه در آسیا و در آفریقا سلطه سیاسی مغرب زمین را مطرح کرد و معنا کرد و مردم را به این فکر انداخت که چنین واقعیتی وجود دارد و شما می‌دانید آن زمان، آغاز عمر استعمار بود چون استعمار در اول نشرش در این منطقه اصلاً شناخته شده نبود و سیدجمال اولین کسی بود که آن را شناساند. این‌ها را نمی‌شود دست کم گرفت. مبارزات سیاسی سیدجمال چیزی است که قابل مقایسه با هیچیک از مبارزات سیاسی افرادی که حول و حوش کار سیدجمال حرکت کردند نیست.»

سید جمال‌الدین بزرگ، اسلام‌خواه، شجاع، مبارز
امام خامنه‌ای در خطبه دوم نماز جمعه 15 بهمن 89 نیز به نقش بزرگ سید اشاره کردند و فرمودند:
#171: سید جمال‌الدین بزرگ، آن مرد اسلام‌خواه، شجاع، مبارز، بزرگ، بهترین جایی را که برای مبارزات خود توانست پیدا کند، مصر بود؛ بعد هم شاگردان او، محمد عبده و دیگران و دیگران. حرکات اسلام‌خواهی در مصر یک چنین سابقه‌ای دارد.»

سید جمال الدین اسدآبادی از نگاه شهید مطهری (ره)

شهید مطهری نیز درباره سید در کتاب بررسی نهضت‌های اسلامی در صد ساله‌ی اخیر می‌فرماید: «#171: بدون تردید سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی صد ساله‌ی اخیر، سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی است. او بود که بیدار سازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع بینی خاصی بازگو نمود، راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد... نهضت سید جمال، هم فکری بود و هم اجتماعی. او می‌خواست رستخیزی هم در اندیشه‌ی مسلمانان به وجود آورد و هم در نظامات زندگی آنها... سید جمال در نتیجه‌ی تحرک و پویایی، هم زمان و جهان خود را شناخت و هم به دردهای کشورهای اسلامی که داعیه‌ی علاج آنها را داشت دقیقاً آشنا شد. سید جمال مهمترین و مزمن ترین درد جامعه‌ی اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه کرد. آخر کار هم جان خود را در همین راه از دست داد. او برای مبارزه با این دو عامل فلج کننده، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه‌ی مسلمانان را در سیاست واجب و لازم شمرد و برای تحصیل مجدد عظمت از دست رفته‌ی مسلمانان و به دست آوردن مقامی در جهان که شایسته‌ی آن هستند، بازگشت به اسلام نخستین و در حقیقت حلول مجدد روح اسلام واقعی را در کالبد نیمه مرده‌ی مسلمانان، فوری و حیاتی می‌دانست. بدعت زدایی و خرافه شویی را شرط آن بازگشت می‌شمرد، اتحاد اسلام را

تبلیغ می کرد و دست های مرئی و نامرئی استعمارگران را در نفاق افکنی های مذهبی و غیر مذهبی می دید و رو می کرد. شهید مطهری که از عالمان بیدار دل و درد آشنای جامعه ما است، آنجا که درباره اهداف اصلاح طلبانه سید جمال سخن می گوید، در این باره می نویسد: بازگشت به اسلام نخستین، دور ریختن خرافات و پیرایه ها و ساز و برگ هایی است که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است. بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین از نظر سید به معنای بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. سید در بازگشت به اسلام تنها بازگشت به قرآن را مطرح نکرده است؛ زیرا او به خوبی می دانست که خود قرآن رجوع به سنت را لازم شمرده است؛ به علاوه، او به خطرات 171#& حسبن کتاب الله که در هر عصر و زمانی، به شکلی، بهانه برای مسخ اسلام شده است، کاملاً پی برده بود. (نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص 22 - 21)

برخی ویژگی های سید جمال الدین اسدآبادی

برخی ویژگی ها و توانایی های سید جمال الدین اسدآبادی را میتوان اینگونه فهرست کرد: سید جمال الدین اسدآبادی آگاه به اوضاع زمان خود بود، دردهای جوامع اسلامی را به خوبی شناخته بود، بر نقش استعمارگران در انحطاط جوامع اسلامی آگاهی کامل داشت، بسیار پرتحرک و پر جنب و جوش بود، بسیار تیزهوش و روشن بین بود، در بیان و انتقال مفاهیم مورد نظر توانایی فوق العاده داشت، قدرت تاثیرگذاری اش بر مخاطبان، کم نظیر بود، در ایجاد ارتباط با محافل و کانون های مذهبی و غیرمذهبی، چیزی کم نداشت، غیر از قدرت بیان، از قدرت نوشتن نیز کاملاً برخوردار بود، با انواع مکاتب مذهبی و سیاسی در غرب و شرق آشنایی داشت، دلیر و شجاع بود، در انواع علوم زمان خود تبحر داشت، از این که درباره اهداف و آرمان های خود جانبازی و تحرکات پرفراز و نشیب انجام بدهد، کم مانند بود و شور و حال فراوان داشت، در ایجاد کردن تشکل ها و مدیریت کانون های مختلف ماهر بود، با سران و بزرگان زمان خود در شرق و غرب آشنایی و مراوده داشت، درجه پشتکار و استقامت و بردباری اش کم نظیر بود، بر زبان های فارسی و عربی و ترکی و انگلیسی و روسی و فرانسوی و... تسلط داشت و به همین دلیل به هر سرزمینی که می رفت، به خوبی با مردم و بزرگان آن سرزمین می توانست ارتباط برقرار نماید، خواست ها و اهدافش را با صراحت مطرح می کرد همچنان که مفسد دولت ها و جوامع اسلامی و معایب ها کانون های تاثیرگذار در میان جوامع اسلامی را نیز با روشنی و بدون هراس طرح می نمود، نگاه نافذ و سیمایی ابهت آمیز داشت و...

امان از جهل و خود شیفتگی خارهای روئیده بر دیوار

اگرچه نمی توان انکار کرد که سید جمال الدین اسدآبادی هم مانند هر انسان غیرمعصوم دیگری حتماً اشتباهاتی داشته است؛ ولو اینکه کسی از اشتباهات او اطلاعی نداشته باشد ولی آیا می توان با چنین دیدگاهی این مرد بزرگ با این خدمات شایان را مورد هجمه و توهین و استهزاء قرار داد!

یکی از این مدعیان بی سواد و خود شیفته؛ اخیراً در باره سید گفته است: 171#&.....یه آدم ندید بدید هم مثل سید جمال الدین اسدآبادی پیدا میشه میگه من تو غرب اسلام دیدم مسلمون ندیدم تو شرق مسلمون دیدم اسلام ندیدم....»
درحالی که اولاً؛ اصل این سخن صرفنظر از عمومیتش - اشتباه نیست و ثانیاً این دو جمله را، هم به سیدجمال بزرگ نسبت داده اند و هم شاگردش محمد عبده و هم به مرجع بزرگ شیعه مرحو آیت الله العظمی بروجردی.

و بعد همین بی سواد خودشیفته بگوید: 171#& چون سید جمال را یک فرد غرب زده! میدانم رسالت خود میدانم که به او توهین کنم!

آیا شایسته است که همین خار روئیده بر دیوار؛ در واکنش به سخنان امام خامنه ای بگوید: 171#& رهبری برای نقاط مثبت سید جمال آن فرمایشات را گفته اند ولی سیدجمال در کل یک فرد غرب زده است.»

آری؛ امان از خود شیفتگی خارهای روئیده بر دیوار

چرا سید را کشتند؟

سیدجمال الدین اسدآبادی منادی بیداری مسلمانان و بازگشت به اسلام و بدعت زدایی بود و اتحاد اسلام و پرهیز از تفرقه بین مذاهب اسلامی را تبلیغ می کرد و در آخر هم جان خود را در همین راه از دست داد. سیدجمال، اواخر عمر خود را در عثمانی سپری کرد و غیر مستقیم تحت نظر سلطان عبدالحمید، امپراطور عثمانی قرار داشت. وقتی خبر قتل ناصرالدین شاه توسط میرزا رضا کرمانی، از شاگردان سید جمال، به اسلامبول رسید، سلطان عبدالحمید، به هراس افتاد و دستور قتل سید جمال را داد و سرانجام در 19 اسفند 1275 برابر با 9 مارس 1897 او را مسموم ساختند و جنازه او را در قبرستان مشایخ اسلامبول به خاک سپردند. در سال 1324، فیض محمدخان، سفیر وقت دولت افغانستان در آنکارا، موافقت دولت ترکیه را برای نبش قبر سید بدست آورد بقایای جسد سید جمال الدین اسدآبادی را در تابوتی به کابل انتقال دادند.

جمال پرفروغ سیدجمال الدین اسدآبادی بر غشوه تاریک تاریخ معاصر جهان اسلام به سان خورشید فروزان میدرخشد و چهره نورانی سید با برخی حرکات و حرفها مشوه نخواهد شد.